

بروکرات‌ها قیمت گذاری اهمیت دارد اما برای تکنوکرات‌ها این مهم است که نتیجه مشخص و آگذاری یک شرکت، رقابت و اصلاح ساختار اقتصادی باشد. عجیب است که ما در فرآیند خصوصی سازی، تنها به قیمت می‌اندیشیم اما اصلاح ساختار و رقابت و اهلیت خریدار و توسعه بنگاه برای ما بی‌اهمیت است.

نکته دوم این که در سال‌های گذشته، این شکل از خصوصی سازی و برخوردهایی که به بهانه مبارزه با فساد و رانت صورت گرفته، نه تنها به توسعه سرمایه‌گذاری در کشور کمکی نکرده که پیام‌های خوبی هم به سرمایه‌گذار خارجی نداده است. گزارش چنین برخوردهایی سریع انتقال پیدا می‌کند و به عقیده من، یکی از سیگنال‌های منفی اثر گذار در بی‌علاقگی سرمایه‌گذاران خارجی برای حضور در اقتصاد ایران بوده است. اتفاقاً پیام مبارزه با فساد، برای سرمایه‌گذار بسیار حیاتی و مهم است اما برخوردهای سیاسی و سلیقه‌ای، خطری است که سرمایه‌گذار هم چنان در اقتصاد ایران، بیخ گوش خودش احساس می‌کند.

یاد شوخی معنی دار چندی پیش رئیس جمهور با وزیر اقتصاد افتادم. کنایه ایشان درباره دو دستی چسبیدن وزرا به شرکت‌های زیر مجموعه، اگر چه یک شوخی ساده تلقی شد و جز در یکی دو یادداشت ندیدم که به آن پرداخته شود اما نشان از وجود یک تفکر سرسختانه در بروکراسی ایران دارد که راه را بر اصلاح ساختار و رقابت بسته است.

جناب جلالپور! در روزهای تدوین بودجه ۹۵ هستیم و بحث در این مورد داغ است. جناب عالی چه دیدگاهی دارید؟

این روزها، هم بحث چگونگی تدوین لایحه بودجه داغ است و هم پیش بینی نرخ ارز در آن. از طرفی مدتی است رئیس کل بانک مرکزی وعده تک نرخی شدن ارز در دوران پسا تحریم را داده است. روال این گونه است که قیمت هر بشکه نفت، میزان صادرات و درآمد حاصل از فروش آن در تدوین لایحه بودجه تخمین زده می‌شود. طبیعی است که هیچ فرد یا دستگاهی به طور دقیق نمی‌تواند این متغیرها را به درستی پیش بینی کند. به این ترتیب زمانی که لایحه تبدیل به قانون می‌شود و به عنوان برنامه یک ساله اداره کشور به اجرا در می‌آید، مشکلات ناشی از پیش بینی‌های نادرست این متغیرها، به اشکال مختلف در اقتصاد کشور نمود پیدا می‌کند. به جز مشکلاتی نظیر کسری بودجه، شکاف‌های مالی و عدم تعادل‌هایی که به وجود می‌آید، بخش زیادی از ابهام‌ها، عدم شفافیت‌ها و فسادهای گوناگون در اقتصاد کشور، ناشی از همین تخمین‌های نادرست در بودجه‌های سنواتی است. طبیعی است که مابه‌التفاوت تخمین‌های نادرست با آن چه در طول اجرای قانون بودجه اتفاق می‌افتد برای خیلی از افراد و دستگاه‌ها رانت‌های کلان ایجاد می‌کند. هم چنین مشکل دیگری که این روش در اقتصاد کشور به وجود می‌آورد، مدیریت نادرست قیمت ارز حاصل از فروش نفت است. حال اگر در بودجه ۹۵ و بودجه سال‌های آتی، به جای پیش بینی این متغیرهای سه گانه، فقط مبلغ ریالی که دولت اجازه دارد از فروش ارز حاصل از صادرات نفت در کشور هزینه کند، مشخص شود، عملاً به همه مشکلات مورد اشاره پایان داده می‌شود. در این صورت نه تنها ابهام‌ها و در کنار آن امکان سوء استفاده‌ها به حداقل کاهش می‌یابد، که مدیریت قیمت ارز نیز می‌تواند بر اساس صادرات غیر نفتی توسط بانک مرکزی اعمال شود که احتمالاً گام مثبت بزرگی در اقتصاد کشور خواهد بود.

در مورد بازگشت دوباره بودجه به سمت اتکا به نفت هم هشدارهایی داده شده که ما یلیم ارز یابی شمارا بدانم.

اینکه ایران دوباره به میزان فروش قبلی در بازار نفت دستیابی پیدا کند خبر خوبی است در صورتی که منابع حاصل از فروش نفت دوباره به بودجه تزریق نشود. وقتی در این باره حرف می‌زدیم، یاد پرسش مکرر هیأت‌های خارجی افتادم که معمولاً می‌پرسند: «آیا سیاست جذب سرمایه خارجی در ایران یک سیاست بلند مدت است یا اینکه با فروش دوباره نفت، این رویکرد کم رنگ خواهد شد؟» این پرسش برای خارجی‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است و هر چند طی ماه‌های گذشته، سیاست گذار اطمینان داده که سیاست‌های غلط قبلی تکرار نخواهد شد اما هیچ تضمینی وجود ندارد که در تنگنای فعلی، دولت دوباره به استفاده از منابع نفتی علاقه نشان دهد. به این ترتیب شاید لازم باشد سیاست‌های جدید اقتصادی کشور در سال‌های آتی و چگونگی استفاده بهینه از منابع حاصل از فروش نفت به روشنی تدوین و مصوب شود.

تجربه نشان داده که در طول دهه‌های گذشته هر زمان که قیمت نفت بالا بوده و امکان فروش آن وجود داشته، سیاست جذب سرمایه خارجی و تشویق صادرات کم

رنگ شده است. چه تضمینی وجود دارد که دوباره در همین چرخه گرفتار نشویم؟ اکنون هم این دغدغه باعث نگرانی فعالان بخش خصوصی و سفیران صادرات ایران است به خصوص آنکه برای صادرکننده، بازگشت سرمایه و کسب سود در چرخه صادرات، میان مدت و دراز مدت است.

چه نظری در مورد عملکرد دولت یازدهم دارید؟

بیش از نتایج حاصل شده باید تاکید کنم که رویکرد دولت فعلی، رویکرد درستی است که در مورد مدیریت فضای داخلی و روابط خارجی اعمال شده است. در داخل و در کنترل تورم موفقیت‌های خوب و فراتر از انتظاری به دست آورد که عمده این موفقیت‌ها هم به دلیل سیاست‌های درست پولی و مالی و سیاست‌های انضباطی بود. دولت موفق شد علاوه بر مدیریت مطلوب فضای اقتصادی با پیگیری جدی مذاکرات و به نتیجه رساندن آن، انگیزه مشارکت اقتصادی مردم را هم مجدداً افزایش دهد و امید را به همه بخش‌های اقتصادی و اجتماعی تزریق کند.

در سایه این شرایط، فضای مناسب مذاکرات و امید ایجاد شده، دولت توانست در کنترل تورم موفق عمل کند چنانکه خوشبختانه در پایان سال ۹۳ تورم به کمتر از ۲۰ درصد رسید و امروز که ما داریم صحبت می‌کنیم تورم نقطه به نقطه دارد یک رقمی می‌شود و تورم سالانه هم زیر ۱۵ درصد است که این دستاورد خوبی است. با توجه دولت به بخش‌های پیشران اقتصادی برای تسریع در خروج از رکود هم اگر بر مبنای آینده‌نگری بخواهیم برنامه‌ریزی کنیم، مهمترین پیشران خروج از رکود و تغییر شرایط اقتصاد کشور به سمت یک اقتصاد پایدار، سرمایه‌گذاری خارجی است. بر این اساس، بایستی زمینه بازگشت سرمایه همه ایرانیان خارج از کشور و ایرانی‌های داخل کشور که سرمایه‌شان خارج از کشور است و جذب سرمایه خارجی را در کمترین زمان فراهم کنیم. در زمان حضور هیأت‌های خارجی هم با این نگاه در اتاق ایران به پیشواز آنها رفته‌ایم که به آنها امکانات برای سرمایه‌گذاری در کشور بدهیم و زمینه حضورشان در اقتصاد ایران را فراهم کنیم.

سئوال آخر به ارزیابی شما از عملکرد دولت محلی در استان برمی‌گردد؟ چه دیدگاهی دارید؟

عمده فعالیت استانداران در دهه‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی، بر مسائل سیاسی و امنیتی متمرکز بوده است. به تناسب این تعریف، نگاه استانداران نیز عمدتاً سیاسی و امنیتی بوده است. علت اصلی به وجود آمدن این وضعیت، روند دولتی توسعه طی ادوار گذشته بوده است. اقتصاد مقاومتی اما یعنی اقتصادی مردمی که وابسته به توان و ظرفیت مردم است، نه فروش ثروت‌ها و منابع زیرزمینی مثل نفت و گاز، آن هم به صورت خام‌فروشی. این بدان معنی است که باید رویکرد جدیدی را در پیش گرفت. دیگر قرار نیست که دولت با استفاده از خزانه، پول را تقسیم کند و استانداران در نقش «والیان» آن را هزینه کنند. در دوره جدید، استانداران باید به فضای کسب و کار توجه داشته باشند. آنها باید فضایی مناسب برای توسعه استانی ایجاد کنند. از ابتدای فعالیت دولت، توصیه بخش خصوصی این بود که در انتخاب و انتصاب استانداران، «نگاه پررنگ اقتصادی» حاکم باشد. در همان راستا بود که پیشنهاد شد معاونت اقتصادی مجدداً در تمامی استانداری‌ها تشکیل شود. استاندارها باید توسعه‌گرا باشند؛ البته با توجه به توسعه‌ای که مبنای آن رانه دولت، که مردم و بخش خصوصی تشکیل دهند. حتی تمایل و توصیه بخش خصوصی این است که انتخاب استانداران، از میان چهره‌های با سوابق اقتصادی صورت گیرد. در استان کرمان روند تغییر از طریق سرمایه‌گذاری با نهادهای مجموعه‌هایی شروع شد که امروزه شرایط بهتری برای این کار دارند. به هر شکل در حال حاضر استانداری کرمان در جهت پیاده‌سازی استانداری توسعه، پروژه‌های کلانی تعریف کرده که طرف قرارداد آن، شرکت‌های مختلفی از بخش خصوصی و شبه‌دولتی هستند قراردادها و تفاهم‌نامه‌های مربوطه امضا شده است که این پیک گام به جلو ارزیابی می‌شود. با اجرایی شدن این پروژه‌ها، تامین منابع مالی صرفاً به بودجه‌های عمرانی و دولتی و به‌طور کلی منابع خزانه منحصر نخواهد بود. در گام بعدی محیط کسب و کار باید در استان کرمان بهبود پیدا کند که اتاق بازرگانی و استانداری هر دو به جد درگیر این موضوع هستند. پیشرفت صورت گرفته تاکنون به اندازه‌ای بوده که کرمان توانسته در میان سه استان برتر کشور از نظر ارتقای شاخص‌های محیط کسب و کار جای گیرد. این یک جهش اساسی و گام بزرگ به شمار می‌رود و امید این است که با انجام اقداماتی از این دست و اتخاذ تمهیدات لازم، در زمان حاضر (که وضعیت متغیرهای اقتصاد کلان چندان مناسب نیست) با پیشرفت در فرآیند سرمایه‌گذاری مواجه شویم.

